

منطق به زبان طنز. برگرفته از کتاب • سولفی لند •



حکایت گویند در سالیان پیش شفعی یاغی به نام ماشاانه برای خود کلمتی تشکیل داده و مشغول بیابان مردم بود تا کم تهران نگه امی برای وی بربین مقصود ارسال داشت. ماشاانه. به فرا سوگند آگر به تهران بیایی تو را سردار میکنم. ماشاانه به دفع سردار لشکر شدن فوراً به تهران آمد و به معنی رسیدن به تهران به دستور هاکم او را دستگیر نموده و به دار کشیدند. یکی از اهل افراین به وی گفت. مگم شما سوگند یاد نکردی که به معنی ورود ماشاانه او را سردار کنی؟ هاکم فتوید و گفت. چرا و به این قول عمل کردم. آگر او قدری شعر و درایت داشت من فهمیدم که منظور از کلم ما بر سردار کردن اوست نه سردار کردن!



بوستر آموزش درس دوم منطبق برگرفته از کتاب سولفی لند، تألیف دکتر نوی نام دبیر: زهره فریدی

حیطه مغالطه	نام مغالطه	تعریف	مثال
در الفاظ و معنا	مغالطه اشتراک لفظ	یکی از شایع ترین انواع خطاهای ذهنی است. اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند باعث بروز این مغالطه می شود.	علی کاری است. کاری غذا را خوشمزه می کند. پس علی غذا را خوشمزه می کند.
	مغالطه توسل به معنای ظاهری	به کار بردن معانی مطابقی، تضامنی و التزامی کلمات به جای یکدیگر.	محمد شاه قاجار قسم یاد کرده بود که هرگز خون وزیر خود را نریزد. لذا وقتی که تصمیم به کشتن وی گرفت، دستورات او را خفه کردند!
	مغالطه نگارشی کلمات	عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات یا خطای ناشی از دپکت کلمات	او برای باز دیدی پنج روزه. از اسفهان به شهر ما آمد. او برای باز دیدی پنج روزه از اسفهان. به شهر ما آمد.
	مغالطه ابهام در مرجع ضمیر	استفاده از عبارات دویقلو و ابهام موجود در جملات که ناشی از مشخص نبودن مرجع ضمیر است	رستم بر اسب نشست. دستی بر سرش کشید و حرکت کرد.

الهام دلالت لفظ بر معنا	تعریف	مثال
دلالت مطابقی	مطابق با معنای اصلی لفظ است.	خانه ام را فروختم.
دلالت تضامنی	متضمن ادراک بردارنده بخشی از معنای اصلی لفظ است	خانه ام را رنگ کردم.
دلالت التزامی	بر لازمه یک شیء دلالت می کند (دلالت لفظ بر امری که خارج از معنای آنچه لفظ برای آن وضع شده است)	خانه ام را دزد برد.

دبیرستان: نمونه فرهنگ ناحیه ۴

آموزش و پرورش ناحیه ۴.....

درس دوم: منطق لفظ و معنا

لفظ و معنا: استفاده از هر لفظی می تواند معنای متفاوتی داشته باشد و خود همان لفظ امری ذهنی امر در واقعیت در جهان خارج. در درس قبلی اشاره شد وظیفه منطق چه بود، جلوگیری از خطای اندیشه و تفکر و ذهن با دو حیطة زبان و جهان خارج ارتباط دارد. در مثال اگر شما ، شماره دوستتون را اشتباه در ذهن تصور کنید اشتباه به زبان می آورید در جهان خارج هم منتهی به اشتباه می شه اما انسان برای بیان و انتقال افکار و احساسات خویش از الفاظ استفاده می کند و همچنین علم منطق مبتنی بر زبان هست ولی وابسته به هیچ زبان خاصی نیست. در ادامه اشاره می شود به اشتراک لفظ و مغالطه ناشی از آن و مغالطه ، ابهام در مرجع ضمیر و مغالطات ناشی از آن.

ابتدا اشتراک لفظ، کاربرد یک لفظ با چند تا معنا که در ادبیات جناس تام گویند مثلاً شیر چند تا معنا دارد. یا سیر . اگر به خطای ناشی از اشتراک لفظ توجه نکنیم منجر به مغالطه می شود مغالطه اشتراک لفظ مثال: حسن و همسرش ۵ سال اختلاف داشتند. معلوم نیست منظور از اختلاف (اختلاف سن یا مشاجره) حمید دوست بیست ساله من است مشخص نیست سابقه دوستی (سابقه دوستی یا سن طرف) از ما چند تا عکس گرفتند ، منظور از عکس گرفتن معلوم نیست منظور از دریافت عکس بوده یا عکاسی کردن اینها را می گویند مغالطه اشتراک لفظ.

اقسام دلالت: عقلی (تمامی مثالهایی که ذکر شده دلالت عقلی هستند)، طبیعی، وضعی

تعریف دلالت: دلالت یعنی چیزی ذهنی ما را به چیز دیگر رهنمون می کند. یعنی از عم به یک چیز و علم به چیز دیگر برسیم، نشان دهنده چیز دیگری می باشد، که در واقع همان دال ومدلول است. مثلاً دود و آتش دود می شود دال و آتش می شود مدلول یا جای پای و رونده جای پای دال می شود و رونده می شود مدلول. دلالت طبیعی ظواهر پی به باطن می بریم فرضاً رنگش پریده می گیم ترسیده یا سرخ شده خجالت کشیدی یا سرما خوردی. رنگ رخساره خبر می دهد از سر درون این میشه تبعی.

اما دلالت وضعی قراردادیه مثل مقررات راهنمایی و رانندگی . اقسام دلالت

دلالت لفظ بر معنا: دلالت مطابقی، تضمینی و التزامی

دلالت مطابقی: دلالت لفظ بر کل موضوع له . مثلاً: خانه خریدم دلالت بر کل خانه دارد، یعنی خانه به همراه تمامی جزئیات (در و دیوار و سقف و اینها)

دلالت تضمینی: خانه ام را رنگ زدم. بخشی از خانه را رنگ زده . دلالت لفظ بر جزئی از موضوع له دلالت التزام: دلالت لفظ بر خارج از معنا موضوع له. مثال: خانه خراب شدم. یا خانه ام را دزد برد. منظور اسباب و اثاثیه منزل مثلاً ولی می رود کارنامه دانش آموز را بگیرد، نتیجه را می دهد.

مطابق کل موضوع له تضمن جزئی از موضوع له اما التزام خارج از موضوع له

مغالطه توسل به معنای ظاهری: یکسری نکاتی ذکر می شود، تشخیص مغالطه اشتراک با توسل به معنای ظاهری اگر به تعریف این دو نگاه کنیم به هیچ عنوان نباید در تشخیص اشتباه کنیم اشتراک لفظ اگر چند معنا داشته باشد در عرض هم اما توسل به معناهای ظاهری اگر ما دلالت های مختلفی داشته باشیم مثل دلالت مطابق مثال: فرضاً شخصی میره سلمانی، سلمانی حکم از فردیه که اصلاح میکنه که ناگهان سرش را میبره و اعتراض می کنه که سرم را بریدی. سلمانی می گوید سر بریده که حرف نمی زند اینجا شخصی که میگه سرم را بریده دلالت تضمن بوده که جزئی از سرش بوده ولی آنچه آرایشگر گفته دلالت التزام یعنی خارج از واژه دو تا دلالت مطابقی و التزامی

محمدشاه قاجار در حرم امام رضا قسم یاد کرده بود که هرگز خون وزیرش را نریزد. لذا هنگامی که تصمیم به کشتن گرفت طرف را خفه کرد این همیشه مغالطه توسل به معنای ظاهری.

علی شیر است. شیر هم حیوان درنده است پس علی حیوان درنده است چون مغالطه توسل به معنای ظاهری بود اشتباه شد اشاره به دو تا دلالت شیر به معنای شجاع خارج از معنا. و آنجا که گفت شیر هم حیوان درنده است منظورش دلالت مطابقی بوده یعنی شیر جنگل.

مغالطه بعدی شیوه نگارشی کلمات که خطای در آن منجر به نگارش کلمات می شود. فرضاً عدم رعایت دقیق علائم و سجاوندی حرکات کلمات.

مثال: بخشش، لازم نیست اعدامش کنید.

بخش لازم نیست اعدامش کنید به خاطر یک ویرگول سر انسان به دار می رود این همیشه عدم رعایت علائم یا نگارشی کلمات سفر، صفر.

ابهام در مرجع ضمیر: در واقع ناشی از مشخص نبودن مرجع ضمیر است مثلاً پلنگ در پی آهو بود که شکارچی شلیک کرد معلوم نیست شکارچی به پلنگ شلیک کرده یا آهو

در واقع معلوم نیست مرجع ضمیر به کلی برمی گرده

مثالهایی هم کتاب درباره مغالطه مرجع ضمیر آورده راحتند.

رستم بر اسب نشست دستی بر سرش کشید و حرکت کرد معلوم نیست رستم دست بر سر اسب کشیده یا خودش. مشخص نیست مرجع ضمیر به کدام یکی از اینها است. همان دو پهلو بودن است.

به شخصی گفتند برو بالای منبر شخص دیگر را لعنت کن پس لعنت خدا بر او باد

مشخص نیست این همان شخص که بهش دستور داد یا همان شخص که مورد محبوب مردم بوده

نکته درسی منطق

✓ به کار بردن معانی مطابقی، تضمّنی و التزامی کلمات به جای یکدیگر به خطایی منتهی می شود که آن را «مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری» می گویند.

*چند مثال برای مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات ﴿﴾

❖ ۱- گفته بودم که برایت نوشابه می خرم، خُب آب هم نوعی نوشابه است.

❖ ۲- من که گفتم بعداز ظهر می آیم! خُب ساعت ۹ شب هم بعداز «ظهر» است.

❖ ۳- اگر طلبکاران آمدند، منم می روم در حیاط؛ بگو در خانه نیست!

❖ ۴- اگر مغازه دار جووری صحبت کرد که برخلاف میل خود ناچار به خرید بودی، بگو کیف پولم همراهم نیست! او فکر می کند پول نداری و دست از سرت بر می دارد!

❖ ۵- ما گفتیم کارخانه در حضور رئیس جمهور افتتاح شد، نگفتیم به بهره برداری رسید! (با این روش می توان یک کارخانه را یک بار برای کلنگ زنی و احداث، یک بار برای افتتاح، یک بار برای راه اندازی و یک بار برای بهره برداری رسیدن و پس از آن برای تکمیل فاز یک و دو و ... آن توسط افراد مختلف مورد استفاده تبلیغاتی قرار داد!)

#مغالطه_نگارشی

#نمونه_تمرین

*عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات، باعث پدید آمدن «مغالطه نگارشی کلمات» می شود. این خطا می تواند به جز علائم سجاوندی و حرکات، ناشی از دیکته ی کلمات نیز باشد.

▲ نمونه هایی از خطا در کلماتی که در اعراب تفاوت دارند ﴿﴾

مُشک ← نوعی ماده خوشبو

مَشک ← وسیله ای برای حمل مایعات در قدیم، خیک

گرم ← آنچه دارای گرماست ، ضد سرد

گِرم ← واحد وزن (یک هزارم کیلو)

سُنبل ← نوعی گیاه

سَنبَل ← کار سرسری

▲ نمونه هایی از خطای در دیکته کلمات ﴿﴾

زن ← مونث

ظن ← شک و تردید

ثنا ← ستایش کردن

سنا ← نوعی گیاه گرمسیری

صفیر ← بانگ ، فریاد

سفیر ← نماینده سیاسی دولتی در کشور دیگر

نغز ← خوب، نیکو، بدیع

نقض ← رد کردن، بطلان

خان ← بزرگ

خوان ← سفره

خوار ← ذلیل

خار ← تیغ

حیات ← زندگی

حیاط ← زمین جلو ساختمان که دور آن دیوار باشد.

ثواب ← پاداش

صواب ← درست

* هر گاه چند معنای متعدد به کمک یک لفظ واحد بیان شوند به آن مشترک لفظی می گویند.

اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند، باعث بروز مغالطه ی «اشتراک لفظ» می شود.

▲ نمونه هایی از اشتراک لفظ ﴿﴾

پارک ← گردشگاه، تفرجگاه

پارک ← نگه داشتن خودرو

چرخ ← چرخ اتومبیل

چرخ ← چرخ خیاطی

چرخ ← چرخیدن

چرخ ← گردش

چرخ ← چرخ گردون (دنیا) (به معنای مجازی و التزامی)

سوهان ← نوعی مواد خوراکی

سوهان ← وسیله ای برای سائیدن

سیر ← نوعی گیاه

سیر ← سیر شدن ، ضد گرسنه

سیر ← بررسی

سیر ← گردش

خویش ← خود

خویش ← فامیل و بستگان

چنگ ← از آلات موسیقی

چنگ ← پنجه زدن با دست

سو ← توان بینایی

سو ← سمت ، جانب ، طرف

جزئی_کلی

❖ خداپرست ← کلی

❖ ابن سینا ← جزئی

❖ خط ← کلی

❖ گنجشک ← کلی

- ❖ رخس ← جزئی
- ❖ مولود کعبه ← کلی
- ❖ مدینه فاضله ← کلی
- ❖ این شهر ← جزئی
- ❖ مثلث ← کلی
- ❖ حیوان ناطق ← کلی
- ❖ سقراط بنیان گذار فلسفه ← جزئی
- ❖ کتاب سعدی ← کلی
- ❖ گلستان سعدی ← جزئی
- ❖ طویل ترین خیابان تهران ← کلی
- ❖ خیابان ولیعصر تهران ← جزئی
- ❖ مرغ آتشخوار ← کلی
- ❖ اله ← کلی
- ❖ الله ← جزئی
- ❖ فضیلت ← کلی
- ❖ شجاعت ← کلی
- ❖ درخت کاج ← کلی
- ❖ عیسی مسیح ← جزئی
- ❖ شاهکار ادبیات قرن ← کلی
- ❖ غذای خوشمزه ← کلی
- ❖ خواجه نصیرالدین طوسی ← جزئی
- ❖ زیباترین بنای تاریخی ← کلی

❖ کتاب درسی ← کلی

❖ آن کتاب منطق ← جزئی

دکتر افندی